

سگ‌بند (مهران احمدی)

«اجاره‌نشین‌ها» که هیچ! «لیلی با من است» و «مارمولک» هم به کنار! اما چه بر سینمای کمدی ما گذشته که به‌ندرت قادر به خلق یک لحظه در حد آثار موفق چون «مرد عوضی»، «مومیایی ۳» یا «نان و عشق و موتور ۱۰۰۰» است؟ زمانی فیلم‌های ذکر شده از جمله شاخص‌های سینمای کمدی ما بودند. اگر قرار است فیلمی مثل «سگ‌بند» شاخص سینمای کمدی امروز ایران باشد، پس وای به حال این سینما!

«سگ‌بند» چیزی جز تکرار غیرخلاقانه و سطحی تعدادی از کلیشه‌های نخ‌نمای کمدی‌های سال‌های اخیر ایران نیست: ترکیبی از تصویر تو‌بستی از «پایین شهر»، نگاه ایزاری به زنان، پاتا‌یا، بهرام افشاری! با فیلمی روبه‌رو هستیم که قرار است در انتها شعارهای اخلاقی سر دهد اما در عمق خود در حال ترویج تفکری عمیقاً متحجرانه است. این تفکر را نه فقط در نگاه ایزاری فیلم به زنان - که خود را به‌خصوص در شخصیت فرزند (افشاری) نشان می‌دهد - بلکه در بخش‌های دیگری هم مشاهده می‌کنیم. به عنوان مثال فرزند که در تمام طول فیلم با تولید شیشه عملاً در نابودی زندگی خیلی‌ها نقش دارد و عین خیالش هم نیست، با دیدن استعمال مواد مخدر از سوی برادرش ناگهان رگ غیرتش گل کرده و پیام‌های اخلاقی می‌دهد (ظاهراً مواد مخدر تنها زمانی بد است که گریبان برادر آدم را بگیرد و گرنه در مورد غریبه‌ها مشکلی وجود ندارد). جایی دیگر، فرزانه (نازنین بیانی)، خواهر کوچک‌تر فردین (امیر جعفری) و فرزند (که نحوه نمایش سرکش‌اش در مقابل تفکر مردسالارانه فردین و فرزند خود می‌تواند یکی از مصداق‌های تفکر متحجرانه فیلم تلقی شود) برای این که تلنگری به فردین بزنند، به او چنین طعنه می‌زنند: «چرا دیگه روم غیرت نداری؟» و این‌گونه حتی خود او که در تمام طول فیلم از دخالت‌های دو برادرش شاک می‌زند.

از تمام این موارد که بگذریم، «سگ‌بند» پر از بی‌منطقی است. چرا فردین با آن همه ترسی که دارد باید به آدمی مثل اسی (مهران احمدی) با آن پیشینه‌اش اعتماد کند؟ مقدمه‌چینی تحول فرزند در کجای فیلم قرار دارد؟ چرا او به‌شکلی چنین ناگهانی به سمت پیام‌های اخلاقی تغییر مسیر می‌دهد؟ فرجام شخصیت‌های اصلی چه شباهتی به قوانین مملکت دارد؟ رابطه عاشقانه میان فردین و مروارید (بهاره کیان افشار) کجا و چگونه قوام یافته که ناگهان از مراحل اولیه رابطه به مرحله عشق آتشین می‌پریم؟ از همه این‌ها گذشته، آیا واقعاً «سگ‌بند» یک فیلم کمدی است؟ آیا واقعاً دارد تماشاگران را می‌خنداند؟ آیا می‌توان «سگ‌بند» را یک فیلم با مزه دانست؟



سید آریا قریشی:



وضعیت نابسامان فروش فیلم‌های اکران نوروزی امسال، زنگ خطر را بیش از هر زمان دیگری برای سینمای ایران به صدا درآورد. بحث بحران مخاطب در سینمای ایران البته بحثی نیست که محدود به ماه‌ها و حتی سال‌های اخیر باشد. پس از عبور از موج‌های اولیه شیوع ویروس کرونا و آشفته‌گی‌های ناشی از آن و در ماه‌های اول بازگشایی سالن‌های سینما، خیلی‌ها اوضاع فاجعه‌بار فروش فیلم‌ها را ناشی از ترس مردم از کرونا و اوضاع نامنظم فعالیت سالن‌های سینما دانستند؛ تحلیلی که البته شاید به تمامی غلط به نظر نمی‌رسید اما بخش مهمی از ماجرا را نادیده می‌گرفت: این که سقوط اقتصادی سینمای ایران نزدیک به سه دهه است که آغاز شده است. به هر حال، در اکران ۱۴۰۰ یک فیلم بیش از ۲.۵ میلیون مخاطب را به خود جذب کرد و یک فیلم دیگر هم به مرز ۲ میلیون مخاطب نزدیک شد تا مشخص شود دیگر نمی‌شود همه چیز را گردن کرونا انداخت! با توجه به این که هر دو فیلم موفق اکران سال گذشته («دینامیت» و «گشت ۳») کمدی بودند و در اکران نوروز ۱۴۰۱ هم نام دو فیلم کمدی («سگ‌بند» و «شادروان») به چشم می‌خورد، خیلی‌ها انتظار داشتند که لااقل این دو فیلم بتوانند به مرزهای فروش موفق‌ترین فیلم‌های سال گذشته نزدیک شوند. ضمن این که در نوروز امسال، چند فیلم مهم دیگر هم روی پرده رفتند: «موقعیت مهدی» (یکی از تحسین‌شده‌ترین فیلم‌های چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر)، «روز صفر» (یک فیلم پرسروصدای استراتژیک با ماجرای پیرامون دستگیری عبدالملک ریگی) و «مرد بازنده» (ساخته محمدحسین مهدویان، یکی از مهم‌ترین فیلمسازان دهه ۹۰ ایران، که سال گذشته مجموعه «زخم کاری» به کارگردانی او با موفقیت قابل‌توجهی روبه‌رو شده بود). اما آمار فروش این فیلم‌های پرسرو صدا، لااقل در مقایسه با انتظاری که از آن‌ها می‌رفت، فرق چندانی با فاجعه نداشت. این در حالی است که بسته در نظر گرفته‌شده برای اکران نوروزی، لااقل روی کاغذ از تنوع قابل‌قبولی برخوردار بود و شاید این شروع، نشان‌دهنده این باشد که روزهای سختی برای سینمای ایران در پیش است.

با این مقدمه، در ادامه نگاهی خواهیم داشت به فیلم‌های اکران نوروز ۱۴۰۱ سینمای ایران.